



انتخاب آنان توجه می‌کردم؛ قاعدتاً در زمانی که فیلمنامه را می‌نوشتیم، اسامی متنوعی از ذهنم عبور می‌کرد ولی من از همان ابتدا در ترکیب بازیگران، زوج‌های فیلم، شیمی و روابط بین شخصیت‌ها برایم مهم بود. درباره اینکه آیا از ابتدا به این بازیگران فکر می‌کردم یا نه، می‌توانم بگویم به طور نسبی و کم‌وبیش بله اما تغییری هم وجود داشت که طبیعت کار است.

دست من در انتخاب بازیگر باز بود و کسی جز من بازیگران را انتخاب نمی‌کرد. این پردیس پورعابدینی اولین نقش اصلی‌اش در سینما را در بیست سالگی در «بی‌مادر» بازی کرده است. حالا باید مخاطبان فیلم را ببینید و قضاوت کنند که آیا پردیس پورعابدینی با ۲۰ سال سن برای بازی در نقش مادر مناسب بوده است؟! اما من اعتقاد ندارم که چرخه بازیگری در دست عده خاصی است. هر کسی که واقعاً زحمت بکشد، از فرصت‌ها استفاده کند، برای کاری که می‌کند انرژی بگذارد و انگیزه لازم را برای درخشیدن داشته باشد، می‌تواند دیده شود. کما اینکه در فیلم ما هم حتماً خواهید دید که چقدر ترکیب بازیگران، انرژی که برای کار گذاشتن، انرژی خوبی است. حتماً باید از نسل جدید هم استفاده کنیم، فکر می‌کنم جدیدتر از پردیس پورعابدینی با ۲۰ سال سن نداشته باشیم. در مورد بقیه شخصیت‌ها هم از نظر سنی در شرایطی قرار داشتند که نمی‌توانستم برای آن‌ها از نسل جدید بازیگران استفاده کنم.

■ **در مورد این دوره از جشنواره فیلم فجر بگویید. جشنواره فیلم فجر چهلم، جشنواره فیلمسازان جوان است و نسل متفاوتی از فیلمسازان با فیلم اول یا دوم خود وارد جشنواره شده‌اند. به نظر شما این رقابت، چطور رقابتی می‌تواند باشد؟ به نظر شما سینمای این نسل از چه جنسی است و چه دغدغه‌ای دارد؟**

امیدوارم رقابت یا بهتر بگویم جشن خوبی باشد. به عنوان یکی از کارگردانان بیست و دو فیلم حاضر در این رقابت همه تلاشم را کرده‌ام. تا اثری در خور نگاه و توجه مخاطبان بسازم تا برایشان محترم باشد. جشنواره فیلم فجر بعد از چهل سال، یک آیین ملی است. وقتی امری چهل سال مداومت داشته باشد به یک امر ملی تبدیل می‌شود. در حال حاضر هم مردم می‌دانند که سینمای ایران در بهمن ماه به مدت ۱۰ روز جشن و دورهمی دارد. هم‌وطنان از آن اطلاع دارند، دوستش دارند و برایش برنامه‌ریزی می‌کنند. باید قدر این دوست داشتن را بدانیم و جشنواره را به روزهای او جوش باز گردانیم. بسیار مشتاق هستم که فیلم را در کنار مخاطبان ببینم.



از مایکل سندل (فیلسوف آمریکایی) به ذهن من رسید. در این کتاب یک پرسش فلسفی طرح شده بود که تصویر ذهنی از آن پرسش برای یک لحظه در ذهن من شکل گرفت و دیدم که چقدر این موقعیت می‌تواند، خطیر و پیچیده باشد. مدام و مدام آن تصویر و تأثیرش در ذهنم بزرگ‌تر شد. پرسش‌هایی برای خودم درباره آن تصویری که در ذهنم جرقه زد ایجاد شد.

آن پرسش‌ها را آرام آرام برای خودم گسترش دادم و همین‌طور که در پاسخ به سؤال قبلی گفتم، چندین بار فیلمنامه را بازنویسی کردم. نگارش نسخه اولیه خیلی کوتاه‌تر بود، ولی بازنویسی‌ها بسیار زمان برد. حدود یک سال روی نگارش فیلم‌نامه «بی‌مادر» وقت گذاشتم.

فیلم من به معنی مصطلح ژانر، اجتماعی نیست. در سینمای ایران که ما به آن معنا ژانر نداریم، گونه داریم و عمده فیلم‌های ما در گونه اجتماعی ساخته می‌شوند. اما به آن معنایی که شما متصور بشوید، «بی‌مادر» اجتماعی نیست. فکر می‌کنم مخاطب با اثری مواجه می‌شود که او را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند ساعت‌ها درباره موقعیت‌های فیلم و شخصیت‌های آن فکر کند.

■ **چطور به این ترکیب بازیگران رسیدید؟ میترا حجار، امیر آقایی، پردیس پورعابدینی و پژمان جمشیدی. آیا از ابتدای نگارش فیلمنامه به همین بازیگران فکر می‌کردید؟ ما در سینما شاهد حضور نسل جدیدی از فیلمسازان هستیم، ولی به نظر می‌رسد در بازیگری همچنان چرخش در میان طیف قدیم است. دست شما چقدر در انتخاب بازیگر باز بود؟**

انتخاب بازیگر قواعد متفاوتی دارد. من بیشتر به شیمی بازیگران در

گفتگو با سید مرتضی فاطمی، کارگردان «بی‌مادر»:

سینما برایم ابزار خودشناسی است

■ **زهرا نجفی**

سید مرتضی فاطمی با اولین فیلم سینمایی‌اش «بی‌مادر» به چهلمین جشنواره فیلم فجر آمده است تا به گفته خودش یک پله عقب‌تر از انتقاد کردن از مسائل اجتماعی بایستد و نگاه‌ها را متوجه ساحت انسانیت کند. او سابقه تهیه‌کنندگی سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی را در کارنامه‌اش دارد. اجرای برنامه و مستندسازی و حتی ستون‌نویسی در مطبوعات هم از کارهایی است که سابقاً انجام داده است. ولی این اولین بار است که فاطمی یک فیلم داستانی بلند را کارگردانی می‌کند تا مخاطبان‌ش را درگیر سوال فلسفی کند که او را تا مدت‌ها درگیر کرده بود. او در این گفت‌وگو درباره دلایل حضورش در سینما سخن گفت.

■ **شما کار خود را از مطبوعات شروع کردید، تهیه‌کنندگی، مستندسازی و حتی اجرای برنامه را هم تجربه کرده‌اید و حالا اولین فیلمتان را ساخته‌اید. چه چیزی شما را به سمت ساخت اولین سینمایی‌تان کشاند؟ آیا از ابتدا چنین برنامه‌ای داشتید یا در ادامه مسیری که پیش‌رو داشتید، به کارگردانی رسیدید؟**

■ **با توجه به سوابق و کارنامه شما، آیا شما اندیشه خاصی را پیروی می‌کنید که حالا به سینما رسیده و به این دلیل وارد سینما شده‌اید که حرف‌هایتان را در قالب سینما بگویید؟ آیا مخاطبان سینما باید انتظار تماشای یک فیلم انتقادی-اجتماعی را داشته باشند که در ادامه دغدغه‌های شماست؟**

تمام اندیشه‌ها برای من محترم هستند، من به اندیشه‌ها گوش می‌کنم و به نقاط مثبت آن‌ها فکر می‌کنم. سعی می‌کنم آن چیزهایی که با اخلاقیات و عقلانیت من در تعارض است کنار بگذارم. من از اندیشه‌ها و آن چیزهایی پیروی می‌کنم که فکر می‌کنم برای رسیدن به یک زندگی درست و حال خوب برای خودم، دیگران و جامعه مفید هستند. فارغ از اینکه آن اندیشه از زبان و فکر چه کسی است. بنابراین من به آن معنا از اندیشه خاصی پیروی نمی‌کنم ولی فکر می‌کنم بانک عاطفی و ذهنی من به جایی رسیده بود که می‌توانستم تبلور آن را در سینما ببینم. و در ادامه باید بگویم که فیلم من انتقادی نیست، اجتماعی است. حتی اگر انتقادی هم باشد، با آن تعریف که از سینماگر ایرانی توقع داریم، متفاوت است. من بیشتر خودپرسشگری کردم. خودپرسشگری جایی است که فلسفه و سینما به هم می‌رسند. آن‌جا خود پرسشگری و خود کاوی صورت می‌گیرد. فیلم من هم فیلمی پرسشگرانه از انسان‌هاست نه به معنای انتقادی-اجتماعی که مدنظر شماست. درست می‌گویید یک روز گاری بود که دغدغه‌هایم را در قالب برنامه‌های تلویزیونی انتقادی ارائه می‌کردم، ولی امروز به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم میزان انتقادمان را به مسائل اجتماعی کم کنیم، باید یک پله عقب‌تر برویم و روی ساحت انسانی و خود انسان‌ها کار کنیم.

■ **درباره انتخاب سوژه فیلم «بی‌مادر» بگویید. چطور**



به سوژه این فیلمنامه رسیدید؟ نگارش فیلمنامه چقدر طول کشید؟ و فکر می‌کنید «بی‌مادر» چقدر در سینمای ایران که بیشتر فیلم‌های آن در ژانر ملودرام اجتماعی ساخته می‌شوند، حرف جدیدی دارد؟

سوژه فیلم «بی‌مادر» در حین مطالعه کتابی

شرط اول برای انجام این کار، خودشناسی است. و سینما ابزار بسیار مهم و موثری برای رسیدن به خودشناسی و خودآگاهی است چون در سینما می‌توانید خودتان را جای کودک بگذارید، جای یک فرد که‌نسال بگذارید، می‌توانید به جای یک پادشاه زندگی کنید، فقیر باشید و هر چیزی را که شما به ذهنتان می‌رسد می‌توانید در سینما تجربه کنید. به همین دلیل به نظرم سینما جای مناسبی برای رسیدن به آن چیزی است که من به دنبال آن هستم. و اگر سوالتان این است که از ابتدا چنین برنامه‌ای داشتیم، بله از ابتدا چنین برنامه‌ای داشتیم و فقط منتظر فرصتی بودم که خوشبختانه این دو سال اخیر و